



زیر نظر پایگاه اطلاع رسانی برای نجات یادمان های باستانی (دشت پاسارگاد)
rayanameh@yahoo.com



۱-۴- یکی از دلیل‌های موافقان آگیری سد سیوند میزان هزینه‌ای است که برای ساخت سد شده است که به گمان ما عذر پنتر از گناه است. حتی اگر از این موضوع کمتر هزینه‌های ساخت سد در طی مدتی که نسبت به ساخت آن اغراض شد مورث گرفت (و به درستی باید معتبر سازمان میراث فرهنگی شد که چرا بر پایه‌ی پیش‌نامه‌ی دولت که قالاخته‌های عمارت را منوط به معجزه آن سازمان می‌دانست مانع ادامه‌ی کار ساخت سد در این ۲ سال شدند است) بگذرم در هیچ جای چنان دیده نشده و در هیچ منطقی پذیرفته نیست که طرح با این‌جهه و برانگری، به این دلیل که هزینه‌ای برای آن وقه به سرانجام برسد و حسارت‌های بیش از هزینه‌ها برای مملکت داشته باشد. کما این که در نقطه‌ی مقابل - یعنی عدم به مردم‌داری از آن - قواید سیاری تفهه است که به گمان ما بر جسته‌ترین اثر آن، ارج گذاری هیات دولت است به سایه که انتقام ملی و اسلحه‌ای «نام گرفته» و چندی برای این سال برآزاده‌تر از کوروس بزرگ، انسان وارستای که به کوشش او قوه‌ای ایرانی نخستین گام‌ها را برای شکل دادن کشور ایران و ملت ایران برداشتند و در کتاب دینی ما هم از زیر نام ذوالقرنین به بزرگی باد شده است.

۲- نیاز کشاورزان

۱-۲- در بخش‌های از سوزمین ایران - همانند منطقه‌ی احداث سد سیوند که به خاطر وضعیت اقلیمی، میزان تبخیر و هدر رفت آب بسیار بالاست، ساختن سد باید آخرین راه حل باشد. به گفتشی کارشناسان کشاورزی منطقه، راهکارهای مختلفی برای تأمین و ذخیره آب وجود دارد از جمله طرح‌های ایجاد خواردگاری و ایجاد خواردگاری که موجب نفوذ بیشتر آب و تنفسی سفره آبهای زیرزمینی می‌شود و به جای ساخت سد می‌شد از طرح‌های مذکور استفاده نمود. ۲-۲- مقرر است ۴۰۰ هکتار از زمین‌های شهرستان پاسارگاد و بخشی از منطقه‌ی خفرگ از آب سد سیوند استفاده نمایند و در صورت مازاد بودن آبی - در صورتی که مشکل اختلاف سطح میان جایی که سد زده شده و زمین‌های ارسنجان که در سطح بالاتر قرار دارند با صرف هزینه‌ی هنگفت دیگری وفع شود - منطقه‌ی ارسنجان نیز بهره‌مند گردد، این روال قاعده‌ی کشاورزان منطقه نباید چنان امیدی به این آب داشته باشد، کما این که از نظر تاریخی هم منطقه‌ی ارسنجان فاقد حق ابهی از این آب بوده است.

۳-۳- بهباور کارشناسان، توسعه کشاورزی که فی ننفسه امری است مقدس اگر برویه باشد پا ثابت نابودی متابع آب - که در سوزمین چون ایران بسیار مهم است - می‌شود آیا منطقه‌ای که نام آن «هوراب» است می‌تواند جایی مناسب برای کشاورزی تلقی شود؟ با این‌که بهتر است متولیان امر برای توسعه، مزیت نسبی آن منطقه را در نظر بگیرند. علاوه بر این، باید یادآور شد که تأثیر منفی آگیری سد سیوند بر روی رود گرد و دریاچه‌های طشك و بختگان به ضرر مردم همان مناطق تمام خواهد شد.

بازنگری پرونده‌ی ملی سد سیوند

توسعه امری است لازم و مورد تأیید همه‌ی ایرانیان - بهویژه ایران دوستان -، اما همان گونه که کارشناسان امر اذعان دارند هر توسعه‌ای الزاماً به پیششرط متنهی نمی‌شود، بلکه باید پایدار باشد. جالب است کسانی که به این رسماً می‌اویزند از یاد برده‌اند که خود برای بختان رژیم پیشین ایران که بر توسعه با قصرد هیچ پاسخ‌های داشته‌اند، اکنون در ساخت سد سیوند، ایا آنچه بدست می‌اویزد نسبت آنچه از دست می‌دهیم اگر از زندگانی باشد، دست کم یکسان است؟ پس بازی دیگر نگاهی به پرونده‌ی ملی سد سیوند می‌اندازیم و پرسش‌های پاسخ‌نگرفته‌مان را تکرار می‌کنیم:

۱- دیرباره‌ی ملی

۱-۱- شنیده شده است که، در گزارش توجیهی سد سیوند که اولیل دهه هفتاد برای گرفتن ریفیت بودجه به مجلس شورای اسلامی ارایه شده است از آن زیر نام سد تاکبیری نام برده که بودجایی ۸ میلیاردی را در بر می‌گرفته است. حال که پرونده‌ی ساخت این سد به پرونده‌ای ملی بدل شده، لازم است که این سوابق از بایگانی های بیرون اورده و به این پرسش باخ شاده شود که در صورت درستی این موضوع، چگونه است که این سد به سایی مخزني تبدیل شده و هزینه‌ای نزدیک به ده برابر را به بیت‌المال تحصیل کرده است؟

۱-۲- موضوع دیگر، عنوان شدن گاه به گاه این نکته از سوی مدیران درگیر در ساخت سد سیوند است که طرح ساخت این سد متعلق به پیش از انتقال است. هرچند ماجا م بر این پاره از سد می‌باشد، هرچند شاشن چین طرحی در رژیم پیشین به خودی خود دلیل بر درست بودن آن نیست و تا آنچه که مایه‌هایی در زمان طلائعی جهت ساخت سدی در منطقه‌ی دشت باش سیوند انجام گرفته بود که هم‌گونه مشکل و تحدیدی برای آثار باستانی تحقیقه‌ی اساسگار و وجود نداشته است. حتی در آن متنگام با توجه به این که احتمال آب گرفتگی روسانی سیوند وجود داشته به اهالی این منطقه اعلام شده بود که روسنا را تخلیه کنند و برخی از آنها به شیار و مرودشت کوچ کردنده که با توجه به پیروزی انقلاب این طرح نامان ماند.

۱-۳- غرض از طرح این موضوعات، تأکید بر این موضوع است که با توجه به دعید ملی پرونده‌ی سد سیوند لازم است که وزارت محترم نیرو اطلاعات خود در این باره را در اختیار کارشناسان مستقل بگذارد و توضیح دهد که چرا ساخت چنین سدی این مقادیر زمان و هزینه برده است و این که گفته می‌شود مشکل ابرقی بهون منطقه‌ای که سد در آن دشده و قرار است دریاچه‌ی پشت سد در آنجا تشكیل شود هنوز رفع نشده و توفاق کمیسیون فرهنگی جلس و وزارت نیرو برای کاهش میزان آگیری به این موضوع برمی‌گردد، تا چه حد صحیح است؟

پست‌های دیده‌بانی نیز این امر را تأیید می‌کنند همچنین این گروه کشف کرد که مسد سوند بر روی بندی سنگی از دوره‌ی هخامنشی ساخته شده که از ارتفاع بند اشاره‌شده با در نظر گرفتن دیواره‌های آبرفت تکبلاخی، تها به همان میزان کاربرد داشته‌اند – عینی ۱۵ متر – بوده و از نظر فنی – با اندکی مرمت – همچنان می‌توانست به کار آید. آب‌های سربر زیر ناشی از سیلاب‌ها بدوسیله‌ی ابراهیه‌ها به سوی بندهای بیرون از محوطه برده شده و در آنجا تحت فرآیند دقیق توزیع قرار می‌گرفتند. این روش که پایگاه اطلاع‌رسانی باور دارد کل منطقه‌ی دشت پاسارگاد و تکبلاخی، موزه‌ای از شیوه‌ی زندگانی نیاکان خودمند ماست.

۳-۳- بندهای پژوهش‌های گروه باستان‌شناسی ایرانی – فرانسوی هم به نتایج درختنی رسیده است: کشف ایوان شرقی کوشک داریوش به همراه پایه‌ستون هایی سالی نمونه‌ای از امراض سیلگردش را یکی از این پایه‌ستون‌ها در تخت جمشید هم وجود دارد. بنابراین می‌توان در رفاقت که این استادان در تخت جمشید (پارسه) هم کار کرده است. تمام سطوح دیواره‌ای درونی و بیرونی ایوان پوشیده از تندیس‌های سیزرنگ که ضخامت سه میلی‌متر است. این اندود پیشتر در تخت جمشید، بزرگ‌ترین آن و نقش رستم شناخته شده بود ولی از آن جایی که سیار حساس و سست بوده، نایاب شده و اکنون گردشگران آن را فقط می‌توانند در محوطه ۲۴ تکبلاخی – یعنی کوشک داریوش – ببینند. پس از کوشک‌های پاسارگاد این، سومین کوشک است که از دوره‌ی هخامنشی شناسایی می‌شود اما تاقوت‌های بارزی با آن سازه‌ها دارد اندود که آن، و نقشه‌ی آن که دارای فضاهای اتاق‌مانند و بدون ستون است در حالی که کوشک‌های او و ب پاسارگاد دارای سالاری ستون هستند، از زاویه‌ی باستان‌شناسی، خطون این با و در ترتیب، حرم مختار آن احتمت پیسار دراد.

۴-۳- اینگریز مد سوند، پایه‌های ناگوار درگردی هم برای میراث فرهنگی و کاوش‌های باستان‌شناسی در بین دارد که این جمله‌ی آنها در ارض خطر قرار گرفتن اکثر تمهیه‌های تاریخی و بعض کاوش‌شناسی منطقه‌ی ارسنجان به خاطر گسترش شکنیهای ایلاریا به سمت سعادت‌آباد و ارسنجان خواهد بود تبیه تاریخی تل مورزان که تنها سند و روار ایلاریاها به فارس است، از جمله‌ی این تبه‌های ایلاریا، فراموش نشود که چین اتفاق در شکنیهای ایلاری سد درودزن رخ داد و در اثر آن، بسیاری از تمهیه‌های باستانی دشت‌های بیضای، مودونش و رامجرد به خاطر توسیعی قلبی‌های کشاورزی، تستیح شدن ابروی‌سی‌های اخیر یک داشتعوی دکترای امریکایی – توبی هارتمنل – دریاره‌ی دوره‌ی هخامنشی در روودشت نهان داد و پیش از نیمی از محوطه‌های دوره‌ی هخامنشی از دهی فحاذ می‌لاید. هنگامی که سافر شدست روودشت را پرسی نمود – تا امروز، تستیح شده‌دان و این به معنی از دست دلن بخش بزرگی از اگاهی‌های ما پیرامون معنوی‌ترین تمدن جهان است. به باور کارشناسان، این وضیعت – در صورت وقوع – در ارسنجان، شدت پیشتری خواهد داشت.

۵-۳- بر پایه‌ی نظرات کارشناسی پروفسور «شهریار عدل»، باستان‌شناس ایرانی و کارشناس پژوهوندهای تبت میراث جهانی در ایران، اینگریز مد سوند باعث می‌شود رسوبات زیادی از طریق رودخانه‌ی پاروار پیش سد جمع شده سطح دریاچه سد را بر کند که در پس آن، وضیعت توبوگرافی منطقه محو می‌شود و باستان‌شناسانی که در آینده به دری پلاکه‌ی می‌ایند، نمی‌توانند محل آثار را شناسایی کنند.

۴-۴- پایگاه اطلاع‌رسانی – چونان گذشته – قویاً اعلام می‌دارد که نه تنها خواهان رفع هرچه سریع‌تر کمپودهای این گروه از همینهنان است بلکه از برخی مسؤولان این را با خاطر تأخیر در پاسخ‌دهی به نیاز آنان گلایه‌مند است اما، آیا به مجرد صدور دستور برای آنکری سد، مشکل کم‌آمدی کشاورزان ارجمند حل خواهد شد؟ یا همان طور که پیش از این اعلام کردیم – در پیشین حالت و در صورت سلامت سد و عدم برخورد با هیچ مانعی – دست‌کم دو سال طول می‌کشد تا آن به دست آنان برسد؟

پس باسته است وزارت نیرو هر چه سریع‌تر برای رفع مشکلات باشندگان مناطق پیشنهادشده که سال‌هاست با غفلت کم‌آمدی مواجه هستد دست به اقدامات مقضی بزند فراموش نشود همان طور که گاز و نفت را طریق لوله‌های جایه‌جا می‌کند، این کار را می‌توان توسط لوله‌های بزرگ دریاره‌ی آب نیز انجام داد ایند است با راهکارهای ارائه‌شده و گسترش کشت دیم گندم، شاهد رفع هرچه سریع‌تر محرومیت از این منطقه باشیم.

۳- کاوش‌های باستان‌شناسی

دکتر حسن فاضلی نشانی، ریس پژوهشکده‌ی باستان‌شناسی پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی و صنایع دستی و گردشگری پیوسته – یعنی تقریباً از هنگامی که این عنوان را بدست اوردنده و دکتر مسعود آذرنشو، ریاست پیشین و اغوارکنده‌ی کاوش‌های نجات‌بخش تکبلاخی کتاب گذانشده شد – اصرار دارند که کارهای آن پژوهشگاه در تنگ تاریخی چشنه (بلاغی) به پایان رسیده است در حالی که:

۳-۱- انجه از جزوی‌های منتشرشده بسیار چکیده‌ی «دستاوردهای کاوش‌های باستان‌شناسی تکبلاخی» و سخنان باستان‌شناسان در همایش‌های برگزارشده بوسیله ایدی جای خالی پژوهش بر روی سازه‌های دوره‌های اسلامی و گفتاری (اسلام قبیم خوزستان) تکبلاخی به چشم می‌خورد از پرسی دوره‌ها فقط سفال گردواری شده است و در پرخی می‌جیج کاوشی صورت نگرفته است. برای نموده از مساحت تخت انتقال دوره‌ی باکون در تنگبلاخی که تاکنون چهار محوطه‌ی آن – نزدیک به ۱۰ هکتار – شناسایی شده است، حتی یک هکتار هم کاوش نشده: یا از ۴ محوطه‌ی شناخته‌شده‌ی دوره‌ی ساسانی تها بک و آن هم از ۱۶ هکتار تها نیم هکتار در – کاوش شده: و یا از ۵ کورسان تخصص به قرود خرسنگی که اکاهی‌های بسیاری را از دوران خود به ما خواهند داد تها چند عدد مورد کاوش قرار گرفته‌اند و دیگر گورها حتاً باز هم نشده‌اند هیچ اقامی نیز برای خارج کردن خوشجهه‌های کارگاه‌های شواب گیری – که برای نخستین بار در تاریخ کاوش‌های باستان‌شناسی به دست آمده‌اند – صورت نگرفته و آنها در صورت اینگریز سد نایاب خواهند شد.

۳-۲- بررسی‌های اخیر های ایرانی – زبانی در تنگبلاخی و نواحی پیرامون آن، دستاوردها و یافته‌های بزرگی را در بین داشت: بقایای سدی هاکی متعلق به دوره‌ی هخامنشی در تزدیک تپه‌ی رحمت‌آباد، آبراهه‌ی ۳۶ کیلومتری ساخته شده از سنگ تا حد رفاقت آب به مداخل برسد و آبراهه‌های دیگر که برخی از آنها همچنان مورد استفاده‌ی کشاورزان است، ۵۰۰ سه کیلومتری (احتمالاً متعلق به دوران شاکنی) راهی سه کیلومتری که با ایجاد بسترهای سنگی و خاک از ارتفاعی ۱/۱۵ متري برخورد است و سراجانم دریواری ۱۰ کیلومتری که نشان از محصور بودن منطقه‌ی پاسارگاد داشته است. بقایای

۴- پژوهشکده‌ی مرمت و حفاظت

۴-۱- به واسطه‌ی ابرقی و سست بودن خاک منطقه با بالا آمدن میزان آب زیرزمینی، زمینه برای اسپرسانی به بی سازه‌های دشت پاسارگاد (اعم از کاخ پارغم، کاخ دروازه، کاخ اختصاصی، گور کمبوجیه، تل تخت و بیهوده آرامگاه) کوشش که نزدیک ترین اثر به س است آمده خواهد شد از سوی دیگر، افزایش رطوبت پس از آبگیری سد و تشکیل دریاچه پشت آن در درازمدت باعث تعییر اقلیم و آب و هوا (کوئیستم) شده و آثار سنگی پاسارگاد را - که از جنس سنگ‌های آهکی و چوب کننده رطوبت هستند- از بنین خواهد بردازد، اثر مستقیمی بر این آثار داشته و مسلطی چون رویش گیاهان در لاهای سنت‌سگها را به دنبال دارد. آثار پاسارگاد فرسوده‌تر از تخت جمشید هستند و ارتقای نسبت به دشت ندارند و به همین دلیل اسپیسیدزیری آنها بسیار بالا است. اکثر بستان‌شناسان و کارشناسان مرمت خود را ناشی از رطوبت بر روی سازه‌های پاسارگاد در درازمدت را قلمی می‌دانند فراموش شود تقریباً در تمام طول سال، جزیران باد شدیدی از سمعت دره و کوهستان بلاغی به سمت پاسارگاد می‌وزد که در صورت ایجاد دریاچه‌ای در آنجا این باد، رطوبت دره و دریاچه را به پاسارگاد منتقل خواهد کرد. با افزایش رطوبت «زیر زمینی» بر میزان رشد گلستان‌ها که یکی از عوامل فرسایشی سازه‌های سنگی است، افزوده خواهد شد.

البته دکتر موسوی، مأون پژوهشی سازمان در ناظرخانه خود در روز دوشنبه سی ام بهمن که از رادیو سراسری پخش شد که کارشناسانی اشاره کرد که بر روی مساله رطوبت در منطقه کار می‌کنند که امید است گزارش کار آنها در چه زودتر متنشر شود و به سرانجام متن کامل کاوشهای بستان‌شناسی - که برخلاف قول مدیران زمان هنوز متنشر نشده‌اند - دچار شود.

درباره‌ی موضوع رطوبت، موافقان ایگیری به این دلایل هم استند می‌کنند:

۴-۱- پاسارگاد در گذشته‌های دور مملو از درخت و بسیار سرسبز بوده و در تیجه از هوايی مرطوب پرخودار بوده است و این نشان دهنده عدم اثر تخریب رطوبت بر سازه‌های پادشاهی است.

- این سخن درست است ولی به این نکته باید توجه داشت که آن سرسبزی، یکباره از میان نرفت و در طی گذشت زمان و به آرامی محو شد و این درگوئی ایام پاشت شد تا سازه‌ها خودشان را با شرایط تطبیق دهند. امروره هم اکر آبگیری سد در طی زمانی مثلاً ۱۰۰ ساله صورت گیرد به طوری که شاهد تعییر یکباره‌ای اکویستم منطقه نباشیم، شاید تأثیر رطوبت بر آثار سنگ‌اوهکی پاسارگاد به مکررین حد برسد.

۴-۲- نخست باید آبگیری صورت گیرد و بعد با استگاه‌های رطوبت‌ستن میزان آن را اندازه گرفت و سپس نسبت به تعديل آن اقدام کرد.

- این سخن سراسر مغالطه است چرا که بالا رفتن رطوبت محظوظ و تأثیرگذاری آن قطعی است و از سوی دیگر چگونگی پایین اوردن میزان رطوبت - پس از آبگیری - جای تردید سیار دارد. تازه در آن صورت امکان تخلیه سد از آب و متوقف کردن فعالیت آن چیزی در حد صفر است، کما این که ممکن است تعریف نمایندگان - بهویژه سازمان‌های دولتی - از میزان جای بیون خطر برای آثار، بسیار متفاوت از آنچه مخصوصان غیردولتی می‌اندیشند باشد. علاوه بر این‌ها به باور پایگاه اطلاع‌رسانی نمی‌توان با اتری به همی پاسارگاد را آزمون و خطا برخورد کرد.

۴-۳- پیش از این دکتر طالبیان، ریاست بنیاد پژوهشی پارسه و پاسارگاد و به تازگی کمیسیون فرهنگی مجلس عنوان کردند که: «پایان اوردن میزان آبگیری، میزان ایگیری، می‌توانیم میزان رطوبت را کاهش دهیم»، در حالی که کارشناسان محظی زیست این راههای را مغایر دانند و معتقدند کاهش میزان آب، تأثیری در اندازه سطح آب و در تیجه در میزان تغییر آن ندارد.

۴-۴- همچنین دریاچه ایجاد شده به نمون یک مکان تغیری محاسب خواهد شد و رفت‌آمد ماشین‌ها و افراد سبب ایجادی می‌شود کوهستانی بودن منطقه و پارس باران، ایجادی‌ها را به سیاری از مناطق دیگر متنقل می‌کند که این بدلیده از وسائل تخریب آثار به حساب می‌آید (بلایی که بر سر سنگناهاری پیش‌تون آمد و در عرض چند دهه به اندازه‌ی چند هزاره ایسبید) (دید).

۴-۵- بر بنیان نظریه‌ای کارشناسی مژگان میرمحمدی، مختص مجموعه‌ی زنومروک‌لوژی (زمین‌ریخت‌شناسی) احتمال وقوع زمین‌لرزه پس از آبگیری احتمال سد سیوند وجود دارد همانند آنچه در سال ۱۹۶۳ «راجونت» - در شمال شرقی کشور ایتالیا - روی داد و موجب تحریک گسل‌های فعال منطقه و تخریب کوه مجاور دریاچه شد به طوری که شهر کوچک «لازگررون» را کاملاً نابود کرد. این اتفاق تهائی ناشی از وزن آب دریاچه‌ی سد و اجوت بود، سدی که در نوع خود در شمار سدهای نه چنان بزرگ بود چنین واقعیاتی بکار دیگر نیز در هنوزستان اتفاق افتاد این زمین‌لرزه نیز بر اثر وزن آب پشت سد «کوبنیا» در ایالت «ماهاراشترا» به وجود آمد و موجب تخریب وسیع منطقه و مرگ صدها نفر شد. کشور چین نیز که اکنون در حال ساخت بزرگ‌ترین سد چهان به نام «سد دره» است، به دلیل ساقمه‌ی تخریب‌های ناشی از ڈالر در سدهای جهان، اقدام به نصب استگاه‌های اندازه‌گیری میزان جاچایی گسل‌های منطقه کرده است. پایان این للاوه بر همه‌ی خطرات ممکن برای آثار بستانی پاسارگاد و تنگ بلاغی، باید احتمال وقوع یک زمین‌لرزه بسیار منطقه وجود دارد. با توجه به نزدیکی سد سیوند با منطقه‌ی بستانی پاسارگاد، در صورت وقوع زمین‌لرزه، تخریب آثار بستانی پاسارگاد امری حتمی و قطعی است.

۵- آسیب‌های زیست‌محیطی سد سیوند

اگر پژوهشکده‌ی مرمت و حفاظت نیز مهم چون پژوهشکده‌ی بستان‌شناسی با گذری سطحی از این فاجعه‌ی بزرگ، در اعلامی رسمی آبگیری را بی‌صانع عنوان کرد (عنی مرمت و حفاظت آثار به دست آمده و غیرقابل جایه‌گاهی در تنگه - همچون کوشک داریوش شاه - را فاقد ارزش عنوان کرد و تأثیر رطوبت بر آثار دشت پاسارگاد را به هیچ گرفت) و ریاست آن، همچون ریاست پژوهشکده‌ی بستان‌شناسی از هوازدaran آبگیری سد سیوند بود و حتی تاریخ‌دانان و تاریخ‌پژوهان آن سازمان هم ارزش تاریخی تنگ بلاغی را که در آثار همه‌ی جراحتی‌توسان کن و ایران‌گردان خارجی چند سده‌ی اخیر با اهمیت تلقی شده، بسیار کم دانست، آیا در آن صورت آبگیری بی‌مانع خواهد بود؟

پایگاه به دلایل زیر این امر را دانست می‌داند:

۵-۱- بر اساس نظر گیاه‌شناسان به علت بکر بودن تنگ بلاغی، گیاهانی در این منطقه وجود دارد که علاوه بر این که یک گنجینه‌ی ژنتیکی غنی هستند

۶- نتیجه‌گیری

پایگاه اطلاع‌رسانی مانند آقای کریم متغیر، کارشناس مرمت و حفاظت از آثار تاریخی، بر این باور است که منطقه‌ی پاسارگاد - تنگباغلاغی - مانند دره‌ای است که پر از آثار تاریخی است و می‌تواند به موزه‌های روشان تبدیل شود و همچنین به خاطر طبیعت بکر و سیار زیبایی که دارد بروای طبیعت‌گردان نیز چنانیت داشته باشد. سازمان میراث فرهنگی به پاری کمک‌های مالی و وزارت نیرو و طارح حساب‌شده می‌تواند این مسیر بی‌مانند تاریخی را برای بازدید گردشگران آماده سازد بهطوری که بتوان جذب ابرار ارزش اقتصادی سدی که در حال ساخت است، از آن بهره برد با توجه به معرفوتی بسی همانندی که تنگباغلاغی در این چند سال کسب کرده است (موردی که درباره‌ی هیچ کدام از محظوظ‌های تاریخی ایران - حتی معتبرترین هایشان - صدق نمی‌کند)، این امر بعید نیست و می‌توان آنچا را به یکی از قطب‌های بر جسته‌ی گردشگری تبدیل کرد. کما این که - همان‌طور که مهندس قهاری، دیرکل اینجنیون مفاخر معماری ایران معتقد است - توقف چنین پرسروزهای خود نقطه‌ی میتی در کارناشی مسؤولان خواهد بود و علاوه بر داشتن جاذبه‌ی گردشگری، می‌تواند بر خلاف تبلیغات پیگانگان - نشان‌دهنده‌ی اهمیتی باشد که نظام برای تاریخ و فرهنگ ایران قابل است. آن‌گاه می‌توان علاوه بر ایجاد اشتغال برای اهالی، درصدی از درآمد را هم برای رفع محرومیت‌های مردمان شریف ارسنجان به کار برد.

اگون دستور اینگیری سد سیوند صادر شده است و از پاییز امسال هم‌زمان با اخرين سیال‌ها اینگیری آن کامل خواهد شد. با توجه به حساسیت بالا افکار عصومی، پایگاه اطلاع‌رسانی برای نجات یادمان‌های باستانی چنین عملی را ناقض «اتحاد ملی» می‌داند و از این‌رو و ضمن تلاش برای افزایش شمار ساکنان پرونده‌ی ملی سد سیوند از بازپرس محترم شعبه نهم دادسرای کارکنان دولت می‌خواهد که با سرعت و شجاعت در این برجهه تاریخ‌ساز که دقایق از ازدش‌های کهن، جوادگانی این سرزمین را تایید و تضمین می‌دارد دستور توقف کامل اینگیری سد سیوند را اعلام کند. اشکار است که با پاسداری صادقانه از بیوات نیاکان در درون میهن - از اول تاریخی تبریز تا یادمان‌های کوه خواجه در سیستان و بلوچستان، و از آثار تاریخی قوم‌های کهن ایرانی در پشت سدهای استان کردستان تا لزوم حفظ حریم گنبد از پسند قابوس و همه و همه - است که می‌توان با موشوع محکم‌تر پاسداری از میراث سادی و معنوی مان در بروون از میهن - همچون حقوق صا در دریاچه مازندران، پس‌گیری وضعیت لوح‌های گران‌قدر تخت‌جشید و نگاه‌هایی از نام و جزیه‌های خلیج فارس - را، هم‌با بشتبه‌ی احاد ملت ایران بین گرفت بروندی ملی سد سیوند تنها مشتمی از خروار است که بدالیل توجه پیشتر ایرانیان، چنهای نمادین یافته است و بر ماست که حتا اگر به فرض، ابرادهای وارد بر اینگیری سد را نادرست بدانم باز برای حفظ اتحاد ارزشمند ملی و مداومت توجیهی که از سوی ایرانیان به تاریخ و فرهنگ انسانی و چهانی این سرزمین شده است، سد سیوند را اینگیری نکشم...»

در صورت انجام مطالعات کامل بر روی آن‌ها می‌توان به نوع گل‌ها، درختان و بوشش گیاهی که در باغ‌های پاسارگاد وجود داشته، بی برد ولی با اینگیری سد سیوند این بوشش گیاهی نادر به زیر آب خواهد رسفت.

۵- بر پایه‌ی نظر کارشناسی دکتر پیمان یوسفی آذری، مدیرکل دفتر چنگل‌های خارج از شمال سازمان چنگل‌ها و مراتع، با اینگیری سد سیوند حداقل ۸ هزار اصله درخت ۵۰۰ ساله و هزاران هکتار مرتع و زمین مرغوب کشاورزی نابود می‌شود این درختان به دلیل واقع شدن در ناحیه‌ی رویش ایرانی - توانی از نظر تنوغ و ذخیره‌گاه زیستی، منحصر به‌فرد و دارای اهمیت ویژه‌ای هستند و تخریب این چنگل‌ها به معنای فنا و نابودی کامل طبیعت منطقه است و حتی با صرف میلاردها دلار هم امکان ایجاد این چنگل‌ها وجود ندارد، چرا که خاک منطقه‌ی آن قادر قیفی و خشک است که رویش گاه تو ان بازسازی خود را ندارد، زیرا شکل اینگیری چنگل در حوزه‌های خشک ایران بر اثر یک فرایند تکامل‌یافته چنین هزارساله است و از آن جا که بدینه‌ی الودگی هوا اقلیم‌های خشک را خشکتر می‌کند برای جایگزینی این درخت‌ها چند سال زمان نیاز است - با این شرط که اقاییم تغییر نکند، بر این اساس حفظ و ارزش چنگل‌های ایرانی - توانی این منطقه بهمنان درجه و حتی شاید مهم‌تر از چنگل‌های شمال باشد.

اما آن چه بیش از هر چیزی مایه‌ی نگرانی است آن که مستولان استان فارس نلاش می‌کنند تا موافقت سازمان چنگل‌ها و مرتع و آبخیزداری کشور را برای قطعه ۸ هزار اصله درخت موجود در محله‌ود اینگیری سد سیوند جلب تماشند؛ موافقنی که می‌تواند سند بنای مخربی در کشور گذارده شود که حتی تصویرش برای دل سوزان محیط‌زیست و منابع طبیعی غیرممکن است. بدعت ناگوار و مخربی که روند رو به تخریب منابع طبیعی را سرعت خواهد پخشید، چرا که این پس بر سازمان با نهادی با استناد به چنین عمل کردی، برای اجرای بروزهای خود در خواست مجوز قطعه درخت خواهد کرد و دیگر هیچ سازمانی نمی‌تواند مانع از این روند تخریب شود. حداقل سازمان چنگل‌ها، مرتع و آبخیزداری قدرت مقابله با آن را نخواهد داشت.

۵- بر بنیان نظرات کارشناسی و بر خلاف نظر مجریان سد، اینگیری سد سیوند بر کشاورزی منطقه نیز اثرات مخربی دارد و هزاران هکتار مرتع و زمین مرغوب زراعتی و خاک زیر آب دفن می‌شود در حالی که تولید علوفه فقط یک چهارم ارزش مرتع است و سه چهارم ارزش آن مرعوط به حفاظت خاک و جلوگیری از فرشابی و میزان نفوذگیری آب است.

۵- هم‌چنین تنگباغلاغی به دلیل عبور شایر منطقه و مسیر تاریخی عبور کاروان از اهمیت به سزاوی برخوردار است. بسته شدن مسیر کوچ عشاپر و به زیر آب رفتن یکی از استقرارگاه‌های کوچ‌نشینان در منطقه، از دیگر تنازع اینگیری سد سیوند است. با اینگیری سد سیوند مرتع عشاپر که یکی از جانبه‌های گردشگری ایران بهمنار می‌رود نیز نابود می‌شود. مهندس مختار نجفی کشکولی، مدیر کل امور عشاپر استان فارس با تأیید این مطلب و ضمن تقسیم شاپر به دو دسته مرتع‌دار و کوچ‌نشین می‌افزاید: این سد برای مرتع‌داران که از طبقه‌ی باصری هستند خطر بیشتری دارد چرا که مرتع و چراگاه‌های آن‌ها زیر آب می‌رود.